

## بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

سید کاظم طباطبایی<sup>۱</sup>

محسن رجبی قدسی<sup>۲</sup>

### چکیده

پیامبر اکرم همزمان با بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن کریم، نظام آموزش آن را با هدف فهم و دریافت، و بکارگیری زبان قرآن پایه‌گذاری کردند. از این رو، بر اساس زمینه‌های صدور حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، رسول خدا نه تنها قرائات ناشی از اختلاف‌های لهجی و گویشی مسلمانان را تجویز کردند، بلکه از گسترش تصریفات قرآنی در سه حوزه کلمات، آیات و سوره‌ها استقبال، و آن را تحسین می‌کردند؛ قرائات تصریفی را می‌توان نماد پویایی و زبانی زبان قرآن دانست که صحابه آن را به صورت مزجی با آیات قرآن یا به شکلی جدید که برگرفته از ساختار زبان قرآن بود، به کار می‌بردند. این نوشتار بر پایه همین رویکرد، بر آن است که جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی و با اشراف و تعالیم آن حضرت سامان یافته است؛ پس از رحلت رسول خدا و درگذشت برخی صحابه که از قرائات تصریفی رسول خدا آگاهی داشتند، عمر بن خطاب پیشنهاد جمع آنها را به ابوبکر داد، ولی در عین حال، در دوران خلافتش محتاطانه از گسترش دامنه این گونه قرائات در میان مسلمانان جلوگیری کرد. در ادامه این روند، عثمان بن عفان با تهیه و تدوین مصاحف امام، مصحفها و جزوه‌های حاوی قرائات برخی از صحابه در مدینه را از بین می‌برد تا رسم الخط معیار و متن مکتوب قرآن به صورتی یکسان باقی بماند.

**کلیدواژه‌ها:** سیره نبوی، آموزش قرآن، ترویج قرآن، زبان قرآن، اختلاف قرائات، رسم‌المصحف، مصحف علی(ع)، احرف سبعه

<sup>۱</sup> استاد دانشگاه فردوسی مشهد tabatabaei@um.ac.ir

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

rajabiqodsi@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۱۴

### مقدمه

در موضوع جمع قرآن تاکنون دو نظریه عمده مطرح بوده است: ۱) قرآن در عهد نبوی با تعلیم و نظارت ایشان به همین ترتیب کنونی که به تواتر به دست ما رسیده است، گردآوری و تدوین گردید؛ ۲) همزمان با تنزیل قرآن، به تدریج آیات و سوره‌ها به فرمان رسول خدا کتابت می‌شد، ولی به شکل یک کتاب و مجموعه مدون سامان نیافت؛ بلکه پس از رحلت آن حضرت، به دست امام علی (ع) یا در زمان ابوبکر یا عثمان انجام شد. برخی نیز این اختلاف را صوری می‌دانند؛ زیرا گرچه تدوین و ترتیب سوره‌ها در متن مصحف پس از رحلت رسول خدا انجام شد، ولی صحابه این کار را بر پایه تعلیم پیامبر اکرم سامان دادند (زرکشی، ۱/۳۵۴-۳۵۵). قائلان دیدگاه اول، اغلب روایات جمع قرآن پس از رحلت رسول خدا را ضعیف یا جعلی، و برآمده از فضای مجادلات کلامی و منازعات سیاسی فرقه‌های اسلامی در اواخر سده یک و اوایل سده دوم قمری می‌دانند. صاحبان نظریه دوم به ویژه در منابع اهل سنت درباره اینکه آیا صحف جمع‌آوری شده در زمان ابوبکر و مصاحف استنساخ شده در زمان عثمان، حاوی احرف سبعة بوده است یا نه، اختلاف نظر دارند. به نظر می‌رسد تحلیل درست این روایات منوط به یافتن نظام آموزش و ترویج قرآن و اهداف و فلسفه آن در سیره نبوی است.

### جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی

رسول خدا پس از نزول هر قسمت از قرآن، آن را به کاتبان وحی املاء می‌کردند؛ و بر اقرار و تعلیم آن به مسلمانان اهتمام می‌ورزیدند. بر پایه نظام تعلیم و تعلم قرآن در سیره نبوی، بایسته است هر مسلمانی پس از فراگیری شفاهی هر مقدار از قرآن و تثبیت آن در قلب، آن را کتابت کند (قرطبی، ۱۲۹؛ برای نمونه نکتة ابن هشام، ۱/۳۷۱)، و در مصحفی گرد آورد؛ و از آن پس، بر تلاوت و قرائت خویش با نگاه به متن مکتوب قرآن (مصحف) مداومت و تعاهد داشته باشد (بیهقی، شعب الایمان، ۲/۴۰۸). زیرا اگر قرآن ذکر و زمزمه زبان نگردد و به نگارش درنیاید و قرآن‌آموزان از مصحف استفاده نکنند، «فراگرفتن قرآن از شتر جوانی که پای او را بسته‌اند و با این حال، تلاش می‌کند که خود را از بند آن برهاند، فرآرتر است» (ابوعبید، ۶۹-۷۰). مسلمانان برای کتابت قرآن ابتدا نزد پیامبر اکرم می‌رفتند (بیهقی، السنن الکبری، ۱/۱۶۶)، ولی در مدینه صحیفه‌های مکتوب قرآن را داخل مسجد النبی قرار می‌دادند تا همه بتوانند از روی آن رونویسی کنند (کلینی، ۵/۱۲۱-۱۲۲). نیز نک: ابن ابی‌داود، ۱۸۶ و ۱۹۴؛ مسلم، ۲/۵۹). در مرحله نزول تدریجی به مدت ۲۳ سال (قس: ابن ضریس، ۷۳-۷۴؛ کلینی، ۲/۶۲۹)، قرآن به تدریج

در قالب يك سوره كامل، يا يك واحد موضوعی (ركوع)<sup>۱</sup> يا گاهي يك آيه و بيشتري نازل می شده است. پیامبر اکرم با نظارت و تعلیم وحی الهی، این تنزیل تدریجی را به ساختار كامل و منظم قرآن در نزول دفعی ارجاع می دادند (مقدمه المبانی، ۳۹-۵۸؛ زرکشی، ۳۳۱/۱؛ سیوطی، ۱۸۹/۱-۱۹۹/۲ و ۹۷۷/۲؛ نهایندی، ۶/۱؛ حسینی شیرازی، ۵۱ و ۴۵). و مطابق آن، جایگاه آیات و سوره ها را در يك مجموعه منظم و مدون شفاهی به نام «قرآن» و متن مکتوب آن به نام «مصحف» تعیین و تدوین می کردند.

### تدوین سوره های «تألیفی»

استاد محمد عزة دروزه (د ۱۴۰۰ ق)، سوره های قرآن را با توجه به مضامین و ساختار آنها و به لحاظ نحوه نزول و کیفیت تدوین، به سه گروه اصلی تقسیم کرده که با اندکی تغییر به این شرح است: الف) سوره های یکپارچه: سوره حمد و ۳۵ سوره آخر مصحف از ناس تا عبس که در يك مرتبه و حي نازل شدند. ب) سوره هایی که واحدهای موضوعی آنها در پی هم نازل می شد؛ بدون آن که آیاتی از سوره های دیگر در بینشان نازل شود: یعنی تا نزول هر يك از این سوره ها پایان نمی پذیرفت، سوره بعدی نازل نمی شد. تعداد این سوره ها ۶۱ تاست. شاید بتوان روایاتی را که می گویند: صحابه با نزول «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به بسته شدن و ختم هر سوره آگاه می گشتند (عیاشی، ۱۹/۱؛ یعقوبی، ۲۳/۲)، ناظر بر این دسته از سوره ها دانست. ج) سوره های تألیفی، قسمت های مختلف این سوره ها در پی هم نازل نشده است، بلکه میان فصول هر سوره، قسمتی از سوره های دیگر نیز نازل شده است. سوره طوال قرآن: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و توبه؛ و احتمالاً سوره های نجم، مدثر و مزمل (هر سه مکی)، جمعه، مجادله، ممتحنه، احزاب، نور، اسراء که همگی مدنی اند، در این گروه قرار دارند. (دروزه، ۷۹-۹۱)

### دلایل و مؤیدات این نظریه

\* عثمان می گوید: «زمانی نسبتاً طولانی بر رسول خدا گذشت تا در این مدت سوره های پر آیه قرآن نازل (و كامل) شدند؛ پس هرگاه بخشی از این سوره ها نازل می شد، رسول خدا کاتبان قرآن را فرا می خواند و می فرمود: این آیات را در سوره ای که در آن فلان مطلب یاد شده است، قرار دهید» (ابوعبید، ۲۸۶). نیز نک: ابن شیه، ۱۰۱۵/۳؛ سنن ترمذی، ۲۷۲/۵؛ سنن ابوداود، ۴۹۸/۱. همچنین او گزارش می کند: «هرگاه سوره ای از قرآن نازل می شد، رسول خدا به بعضی که قرآن را کتابت می کردند، می فرمود: این سوره را در موضع و جایگاهی که در آن از فلان مطلب یاد شده است، قرار دهید» (ابوعبید،

۱. برای مطالعه جدول تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (ركوعات) نکه لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۵۳-۶۱.

## ۹۰/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

۲۸۰). چنان که با نزول آیه «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» که بر پایه برخی روایات، آخرین آیه نازل شده قرآن است، پیامبر اکرم دستور دادند آن را پس از آیه ۲۸۰ سوره بقره قرار دهند (مقدمه المبانی، ۴۱؛ سیوطی، ۱۹۵/۱)

\* با تکمیل سوره‌ها، دوباره آن‌ها را بر روی صحیفه‌ها و ورق‌های مناسبی که برای ترتیب و تدوین نهایی و جاویدان سوره‌ها در متن کامل قرآن آماده کرده بودند، بازنویسی می‌کردند (جبوری، ۱۴۴؛ معارف، ۱۴۹ و ۱۶۳) و این اوراق و صحیفه‌ها را به یکدیگر می‌دوختند. (دروزه، ۳۹) زید بن ثابت می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ» (سنن ترمذی، ۳۹۰/۵)

\* بر پایه روایات، کتابت و تدوین قرآن تقریباً در سال نهم هجری پایان یافته بود؛ زیرا وقتی وفد تقیف در رمضان سال نهم هجری وارد مدینه شدند (ابن هشام، ۱۸۰/۴؛ ابن شُبَّه، ۵۰۱/۲ و ۵۰۷). با مجموعه تقریباً کامل متن مکتوب قرآن که حزب بندی شده و سوره‌های هر حزب نیز مشخص و معین بود، رو به رو شدند. اوس بن حذیفه تقفی می‌گوید: «به همراه وفد تقیف در مدینه بر رسول خدا وارد شدیم. (آن حضرت ما را در گوشه‌ای از مسجد مستقر کرد) (ابن هشام، ۱۸۲/۴) تا قرآن را بشنویم و مردم را به هنگام خواندن نماز ببینیم» (ابن شُبَّه، ۵۰۱/۲-۵۰۲). رسول خدا هر شب پس از نماز عشاء به دیدن ما می‌آمد و ضمن گفت‌وگو، قرآن و فرائض را به ما تعلیم می‌داد. یک شب، آن حضرت کمی دیرتر از وقت همیشه به دیدن ما آمد، علت را جویا شدیم، فرمود: حزبی از قرآن در خاطرم گذشت، دوست داشتم آن را کامل کنم و سپس به سوی شما بیایم. صبح روز بعد، از اصحاب آن حضرت درباره حزب‌های قرآن سؤال کردیم. آنان گفتند: «ثلاثٌ و خمسٌ و سبعٌ و تسعٌ و احدى عشرةٌ و ثلاث عشرةٌ و حزب المفضل اوله» «قاف» (ابن شُبَّه، ۵۰۸/۲-۵۱۰. نیز نک: سنن ابوداود، ۵۵/۲؛ ابن ماجه، ۴۲۷/۱؛ ابن حنبل، ۹/۴) یعنی پیامبر اکرم قرآن را به هفت حزب زیر تقسیم کرده و آن را به اصحاب آموزش داده‌اند: سه سوره اول (بقره، آل عمران و نساء)، حزب اول؛ پنج سوره بعدی، حزب دوم؛ هفت سوره بعدی، حزب سوم؛ نه سوره بعدی، حزب چهارم؛ یازده سوره بعدی، حزب پنجم؛ سیزده سوره بعدی، حزب ششم؛ و «حزب مفضل» از سوره «قاف» تا «ناس» (شامل ۶۵ سوره) حزب هفتم قرآن است (ابن کثیر، ۲۳۵/۴). مجموع این سوره‌ها ۱۱۳ سوره است.

\* با توجه به جایگاه خاص سوره حمد (ابن بابویه، الامالی، ۲۴۱؛ حاکم نیشابوری، ۵۵۹/۱) به عنوان «أم القرآن» و «أم الكتاب» (دارمی، ۳۱۹/۲) این سوره خارج از حزب‌های قرآن قرار گرفته است. نام معروف آن: فاتحة الكتاب (مقاتل بن سلیمان، ۲۸/۱) نیز نشان دهنده مجموعه منسجم و هماهنگ قرآن است که آغازش با این سوره است؛ چنان که وقتی ابن عباس، قرآن را نزد ابی بن کعب ختم کرد، ابی به

او تعلیم داد که دوباره سوره حمد و پنج آیه اول سوره بقره را بخوان؛ زیرا هنگامی که من نیز قرآن را نزد پیامبر اکرم ختم کردم، آن حضرت این را به من تعلیم داد (ابن جزری، ۴۴۰/۲-۴۴۴).

\* بر پایه روایاتی دیگر، پیامبر اکرم فرمودند: «خداوند سوره‌های سبع طوال را به جای تورات و سوره‌های مئین (کم و بیش صد آیه‌ای) را به جای انجیل و سوره‌های مثنائی را به جای زبور به من داده است و سوره‌های (حزب) مفصل، فضلی است که خداوند مرا به آن برتری و فضیلت داده است» (کلینی، ۶۰۱/۲).

در روایات تقسیم قرآن به هفت حزب، به نام سوره‌ها به صورت کامل اشاره نشده است و علت آن را می‌توان در بی‌نیازی راویان از ذکر آن‌ها دانست، زیرا اولاً: اغلب مسلمانان این ترتیب را به تواتر می‌دانستند و ثانیاً: چگونگی قرار گرفتن سوره‌ها در متن مکتوب قرآن (مصحف)، خود بهترین روایت و سند کتبی بر نحوه ترتیب آن‌هاست. با این حال، در روایات آداب ختم قرآن، به سوره حمد و بقره به عنوان سوره‌های آغازین قرآن و سوره ناس، آخرین سوره آن اشاره شده و در روایت اوس بن حذیفه نیز به شروع حزب مفصل با سوره «قاف» تصریح شده است.

\* عثمان بن ابی العاص یکی دیگر از افراد وفد ثقیف می‌گوید: «شب‌ها نزد رسول خدا قرآن می‌آموختم و در غیاب ایشان نزد ابوبکر (این شب، ۵۰۲/۲) یا ابی بن کعب می‌رفتم (واقعی، ۷۳۲). (در پایان سفر) مصحفی را که نزد رسول خدا بود از آن حضرت خواستار شدم، ایشان نیز آن را به من عطا کرد» (ابن ابی عاصم، ۴۰/۱).

\* در روایات ختم قرآن، رسول خدا ختم قرآن را در ۴۰ یا ۳۰ روز توصیه می‌کنند و در مقابل اصرار برخی جوانان عابد، ختم در کمتر از یک هفته (و در ماه رمضان، کمتر از سه روز) را روا نمی‌دانند (کلینی، ۶۱۸/۲؛ دارمی، ۳۴۳/۲). در عین حال، مسلمانان را به مداومت بر قرائت سوره به سوره قرآن در کنار ختم آن از آغاز تا پایان و از پایان تا آغاز قرآن تشویق می‌کردند (دارمی، ۳۴۲/۲). نیز نک: کلینی، ۶۰۵/۲؛ حاکم نیشابوری، ۵۶۸-۵۶۹؛ لسانی فشارکی، «ختم قرآن»، ۱۸۸-۱۹۰).

\* ابوامامه باهلی گزارش می‌کند که در حجة الوداع، رسول خدا با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلَ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (المائدة، ۱۰۱)، مردم را به اخذ دانش، قبل از رفتن آن توصیه کردند... فردی اعرابی از ایشان پرسید: چگونه علم از میان ما برداشته می‌شود در حالی که مصاحف در دسترس ماست و آنچه در آن است را فراگرفته‌ایم و آن را به زنان و فرزندان و خادمان خود تعلیم داده-

ایم... پیامبر اکرم در پاسخ فرمود: از دست دادن حاملان علم، موجب از دست رفتن علم می‌گردد. (ابن حنبل، ۳۶۶/۵)

### بررسی جمع قرآن در زمان ابوبکر

ابن شهاب زهری (۱۲۴ ق) از عبید بن السباق (از تابعین اهل مدینه) از زید بن ثابت (۴۵ ق) نقل کرده که گفت: «ابوبکر پس از جنگ یمامه مرا پیش خود طلبید. عمر بن خطاب هم نزد او بود. ابوبکر گفت: عمر آمده و می‌گوید: در جنگ یمامه بسیاری از قاریان قرآن کشته شده‌اند و من بیم آن دارم که در جاهای دیگر هم کشتار زیاد شود و بسیاری از قرآن (که حفظ نشده (ابن حنبل، ۱۳/۱)) از بین برود؛ نظر من این است که به جمع‌آوری قرآن دستور بدهی. من به عمر گفتم: چگونه دست به کاری بزنم که پیامبر آنرا انجام نداده است؟ عمر گفت: به خدا قسم، کار خوبی است، عمر همواره در این باره به من مراجعه می‌کرد تا اینکه خداوند به من شرح صدر داد و نظرم با عمر یکی شد. زید می‌گوید: ابوبکر گفت: تو جوان عاقلی هستی که تو را متهم نمی‌کنیم و قبلاً هم وحی را برای رسول خدا می‌نوشتی؛ پس دوباره قرآن را تتبع نما و آن را جمع‌آوری کن. زید گفت: به خدا قسم اگر مرا به جابجا کردن کوهی از کوه‌ها تکلیف می‌کردید، سنگین‌تر از این نبود که مرا به جمع‌آوری قرآن تکلیف کردید. گفتم: چگونه کاری را انجام می‌دهید که پیامبر آنرا انجام نداده است؟ ابوبکر گفت: به خدا قسم کار خوبی است و همواره به من مراجعه می‌کرد تا این که خداوند در این باره به من شرح صدر داده آنگونه که به عمر و ابوبکر شرح صدر داده بود؛ و من قرآن را از «قاع» و «عُسب» (شاخه‌های خرما) و «لِخَاف» (سنگ‌های سفید و نازک) و سینه‌های مردان جمع‌آوری کردم. آخر سوره براءت را نزد خزیمه بن ثابت یافتیم: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (التوبه، ۱۲۸) (ابوعبید، ۲۸۱).

با توجه به اینکه در روایت احمد بن حنبل (۲۴۱د ق) به نقل از ابوکاملز ابراهیم بن سعد و عثمان بن عمر از یونس، بخش آخر روایت (یافتن آخر سوره توبه نزد...) نیامده است (مسند، ۱۰/۱-۱۳ و ۱۸۸/۵)؛ و توجه دادن به این دو آیه را به حارث بن خزیمه نیز نسبت داده‌اند (ابن ابی داود، ۳۸) و همین داستان در جمع قرآن در زمان عثمان و به نقل از خزیمه بن ثابت نیز گزارش شده است (ابن ابی داود، ۳۹؛ رامبار، ۳۱۳-۳۱۶ و ۴۲۸)، نمی‌توان به صحت این بخش از روایت فوق اطمینان یافت. همچنین، گزارش شده

<sup>۱</sup> واقدی (۲۰۷د ق)، تعداد کشته‌شدگان از حافظان و حاملان را ۷۰۰ تن ذکر کرده است (الرده...، ۱۴۰ و ۱۴۶).

که خزیمه بن ثابت یا ابوخریمه آیه ۲۳ سوره احزاب را به زید بن ثابت در زمان عثمان یادآوری کرد. (ابوعبید، ۲۸۲؛ ابن ابی داود، ۳۷ و ۳۶)

غالباً از این روایت چنین برداشت شده است که پیشازین تاریخ، گرچه قرآن کتابت شده، ولی جمع-آوری نشده بود. زیرا تا پایان عمر رسول خدا امکان نزول وحی و نسخ برخی آیات وجود داشت (زرکشی، ۳۲۹/۱)؛ اما درباره مفهوم «نسخ» مانند بسیاری دیگر از اصطلاحات قرآن و علوم قرآنی تا کنون نظریه روشن و قابل دفاعی ارائه نشده است؛ و آنچه به نام «نسخ تلاوت» مشهور شده، در تعالیم رسول خدا و ائمه طاهرین جایگاهی ندارد و از زبان آنان چنین مسأله‌ای مطرح نشده است. درباره امکان نزول وحی تا پایان عمر رسول خدا نیز می‌توان گفت: اگر آیه اکمال دین: «... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (المائدة، ۳) را آخرین آیه نازل شده بدانیم، (سیوطی، ۹۱/۱) از زمان نزول این آیه در حجة الوداع (واحدی، ۱۲۶) تا روز رحلت رسول خدا دست کم ۷۰ روز فاصله است، که این مدت برای کار تدوین و تنظیم نهایی سوره‌ها در قالب مصحف زمان کافی و مناسبی است.

### شیوه‌های معمول برای رفع تعارض روایات جمع قرآن

۱. برخی این روایت را به علت تعارض آن با روایات جمع قرآن در زمان رسول خدا (دروزه، ۲۹-۶۵؛ ایازی، سراسر کتاب؛ ناصحیان، ۲۶۱-۲۷۷) و تناقض آن با دیگر اخبار جمع قرآن در عهد خلفای راشدین (نک: ابن شُبّه، ۷/۱-۸ و ۷۰۵/۲-۷۰۶ و ۹۹۰/۳-۱۰۱۷) ضعیف یا جعلی می‌دانند (سید بن طاووس، ۱۶ و ۱۹۲؛ خوبی، ۲۴۰-۲۴۹؛ عاملی، ۱۳۱، ۱۰۳، ۵۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۴۴/۱۱-۴۵؛ حکیم، ۱۰۳ و ۱۱۷؛ پاکتچی، ۲۶۴-۲۷۵). سیدمرتضی علم‌الهدی (د ۴۳۶ ق) بر این باور است: «همانا قرآن در زمان رسول خدا به همین ترتیب کنونی جمع و تدوین گردید، زیرا قرآن محور اصلی تعلیم و تعلم بود و تمام متن آن در همان زمان حفظ و تثبیت می‌شد... گروهی از صحابه... قرآن را بارها به پیامبر اکرم عرضه و ختم کردند. این دلایل با اندک تأملی دلالت دارند بر اینکه قرآن یک مجموعه مرتب و مدون بوده و آیات و سوره‌ها پراکنده و گسسته نبوده است. بنابراین نباید از این دلایل معلوم و درست و قطعی دست کشید و به بعضی اخبار ضعیف که برخی از اصحاب حدیث آن‌ها را صحیح پنداشته و گزارش کرده‌اند و برخی از امامیه و حشویه به آنها اعتماد کرده‌اند، اعتنا کرد» (طبرسی، مقدمه مجمع البیان، فن خامس).

علامه سیدشرف‌الدین عاملی (ص ۳۴-۳۹) و آیه الله العظمی بروجردی (د ۱۳۸۰ ق) نیز معتقدند: جمع قرآن قطعاً بدان گونه که اکنون در دست ماست در زمان پیامبر سامان گرفته است؛ آیه‌الله بروجردی، روایات حاکی از جمع قرآن پس از پیامبر را مجعول و موضوع می‌داند که مجادلات سیاسی و کلامی، زمینه جعل آن‌ها را فراهم کرده است (موسوی دارابی، ۱۴۴/۴؛ مهدوی راد، ۳۶۵-۳۶۷؛ نیز نکند مدرسی

## ۹۴/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

طباطبایی، ۷۸-۴۱؛ بهبودی، ۲۶-۵، ۷۳-۸۰؛ برتن، ۱۸-۱۹، ۱۶۰-۱۸۷). ایشان براین باورند: هدف عامه (اهل سنت و جماعت) در نقل این روایات، بیان فضیلت و مناقب ابی‌بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می‌باشد؛ در روایات آنان، جمع‌آوری قرآن به دست علی(ع) دلیل حضور نیافتن آن حضرت در مسجد و بیعت با ابوبکر دانسته شده است. شیعه نیز در ادامه نقل این گونه روایات، اضافه کرده‌اند که علی(ع) قرآن را گرد آورد و آن را نزد مردم به مسجد برد ولی آنان آن را نپذیرفتند؛ از این رو، علی(ع) فرمود: من برای اتمام حجت آن را بر شما عرضه کردم، پس آن را هرگز نخواهید دید. آیه‌الله بروجردی در ادامه می‌افزایند: از گزارش این گونه روایات در می‌یابیم که هر دو فرقه خواهان تنزیه ائمه خویش از هر گونه خطا و بیان مناقب آنان هستند، ولی نمی‌دانند با نقل این گونه روایات جعلی چه بر سر کتاب خدا آورده‌اند(موسوی دارابی، ۱۴۴/۴-۱۴۵).

۲. بعضی این روایات را بزرگ شده و تحریف شده روایات دیگری می‌دانند که بر پایه آن، ابوبکر پس از رحلت پیامبر اکرم، به تکمیل یادگیری خود از آیات و سوره قرآن پرداخته یا کتابت مصحف شخصی خود را کامل کرد(ابن ابی‌داود، ۱۲)؛ یا اینکه مصحف خود را که در قرطیس(کاغذ) نوشته شده بود به زید بن ثابت عرضه کرد تا خطاهای احتمالی آن از بین برود(ابن ابی‌داود، ۱۶)؛ یا به عنوان خلیفه، خواهان تهیه متنی رسمی از قرآن بوده است(بلاشر، ۵۳؛ نولدکه، ۸۸-۹۰).

۳. به نظر می‌رسد این روایات بیانگر مسئله دیگری هستند که همان مجادلات کلامی و فضای تفرقه‌گرایانه و تعصبات مذهبی و قومی و فهم نادرست یا ناقص مسلمانان از این روایات، سبب شده است که منظور واقعی آنها به درستی شناخته نشود و در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد. فهم درست این روایات منوط به درک دقیق اهداف و روش آموزش و ترویج قرآن در سیره اسوه حسنه رسول خداست.

### تبیین فلسفه آموزش قرآن در زمینه‌های صدور حدیث سبعة احرف

بر اساس آموزه‌های سیره نبوی، نزول و تعلیم قرآن، در حکم نزول و آموزش يك زبان است. حال از آنجا که زبان، نه مجموعه‌ای ایستا از کلمه‌ها و جمله‌های محدود، بلکه پدیده‌ای شفاهی، پویا، زنده و زیاست(ریورز، ۱۱۵)، برای فراگیری زبان قرآن مانند هر زبانی دیگر باید شرایطی فراهم آورد که قرآن‌آموزان ضمن فراگرفتن ساختار و ترکیب اصلی قرآن، بتوانند ساختار آن را در قرائت‌های مختلف تغییر دهند و جا به جا کنند تا از این طریق قواعد و نظام‌های زبان قرآن، و معنا و مقصد آن برای آنان کشف و درک شود.

زمینه‌های صدور حدیث نزول قرآن بر هفت حرف علاوه بر آسان‌گیری پیامبر اکرم در امر آموزش و قرائت قرآن برای کسانی که دارای زبان، لهجه و گویش‌های متفاوتی بودند، بر پویایی و انعطاف‌پذیری



نزول و زبایی زبان قرآن دلالت دارند؛ یعنی حال که نزول قرآن، نزولی زنده و پویا بوده است، برای فراگرفتن زبان قرآن باید شرایطی فراهم آورد که قرائت آن نیز قرائتی پویا، زایا، آزاد، آسان و بی‌دغدغه باشد (رجبی، ۸۳-۱۲۷). از این رو، پیامبر اکرم هرگونه که قرآن بر زبان افراد جاری و روان می‌شد، آن را منطبق با اهداف نزول قرآن می‌دانستند و می‌فرمودند: «انزل القرآن علی سبعة احرف ایها قرأت اصبت» (ابن ابی‌عاصم، ۴۷۶/۵)؛ قرآن بر هفت حرف نازل شده است، هرگونه که آن را بخوانی به هدف دست یافته‌ای.

### فراگیری زبان قرآن با تصریف کلمات، آیات و سوره‌ها

تصریف از ماده «صرف» به معنای جابجا کردن، تبدیل کردن، صرف کردن، گردانیدن کلمات از حالت و صورتی به حالت و صورت دیگر، تغییر شکل یا ترکیب کلمات، ساختن کلمات متعدد از یک ریشه و گسترش یک جمله به جملات متعدد است.

بر پایه تعالیم نبوی، حزب مفصل، «باب» (شیبانی، ۲۳/۱) و به تعبیر ابن‌مسعود، «لباب قرآن» است (ابن وهب، ۲۰/۳)؛ یعنی چکیده، خلاصه و فشرده قرآن که آیات و سوره‌های آن در شش حزب دیگر قرآن تفصیل، گسترش و تصریف شده‌است. البته این تصریف را می‌توان در آیات و کلمات یک سوره و سوره‌های مجاور آن نیز دید؛ مثلاً سوره «ناس» - اولین سوره‌ای که آموزش قرآن از آن شروع می‌شود - با آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» آغاز می‌گردد. بلافاصله در آیه دوم و سوم ترکیب‌های «مَلِكِ النَّاسِ» و «إِلَهِ النَّاسِ» آورده شده است که این ساخت‌ها، تصریفی از «بِرَبِّ النَّاسِ» در آیه اول‌اند. آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» نیز تصریفی از آیات یکم تا سوم سوره «ناس» است. به همین ترتیب، در سراسر قرآن، این سبک و اسلوب به صورت یک زنجیره کلامی به هم پیوسته، گسترده شده است.

برای فراگیری زبان قرآن باید این سبک تصریفی را در سه حوزه کلمات، آیات و سوره‌ها گسترش داد. قرآن آموزان عهد نبوی نخست به صورت ناخودآگاه این گسترش را در قالب قرائت مختلف انجام می‌دادند؛ ولی در ابتدا افرادی مانند ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب نسبت به این تغییرات بسیار حساس بودند و مانع قرائت دیگر صحابه می‌شدند و از اشتباه‌خوانی آنها به رسول خدا شکایت می‌بردند، ولی بر خلاف انتظار آن دو، رسول خدا قرائت همه آنان را در عین تفاوتی که داشت، تحسین و تجویز و آنها را به ادامه قرائت تشویق می‌کردند (طبری، جامع البیان، ۱۶-۳۸). بدین ترتیب در قرائات صحابه شاهد گستره‌ای از تصریفات قرآنی هستیم، به طوری که از آیه‌ای به آیه دیگر و از سوره‌ای به سوره دیگر منتقل می‌شدند، یا بر حجم آیه و سوره‌ای با آوردن قسمت‌هایی از آیات و سوره‌های دیگر می‌افزودند، یا با حذف بخش‌هایی از آیه یا سوره‌ای، از حجم آن آیه یا سوره می‌کاستند؛ حتی گاهی آیات و سوره‌ها را درهم

## ۹۶/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

می‌آمیختند و آیات و سوری جدید می‌ساختند. با این حال، رسول خدا، آنان را به فراگیری و مداومت بر قرائت سوره‌ها به شکل درست و کامل آن توصیه می‌کردند؛ زیرا تصریف در صورتی ارزشمند است که اصل قرآن در ذهن و قلب قرآن‌آموزان به عنوان ساخت‌های پایه زبان‌آموزی قرآن تثبیت شده باشد. بلال حبشی در حال قرائت قرآن، آیات سوره‌های مختلف را درهم می‌آمیخت؛ پیامبر اکرم در وقتی دیگر به او فرمود: هنگامی که مشغول قرائت قرآن بودی و آیاتی را از سوره مختلف در هم ممزوج می‌کردی، صدایت را شنیدم. بلال گفت: عطر را با عطر در هم می‌آمیزم. آیات قرآن برترین و نیکوترین کلام‌هاست که خداوند متعال آن‌ها را در کنار هم آورده است. پیامبر اکرم فرمود: به هدف دست یافتی و به آنچه می‌بایست برسی، رسیدی و این عمل تو، درست و بجا بود، ولی سوره‌ها را بر وجه و ترتیب اصلی آن هم بخوان (متقی‌هندی، ۳۲۴/۲. نیز نک: صنعانی، ۴۹۸/۲). روایت دیگری به همین مضمون از حضرت علی (ع) نقل است که عمار یاسر نیز مانند بلال حبشی عمل می‌کرد و پیامبر اکرم کار او را نیز تأیید کرد (متقی‌هندی، ۳۱۶/۲؛ نیز نک: ابن‌ابی‌شیبیه، ۲۶۵/۲). به معاذ بن جبل گفته شد آیات سوره‌های مختلف را درهم می‌آمیزی، پاسخ داد: آیا دیده‌اید من آنچه را که در قرآن نیست به آن بیفزایم؟ (همو، ۱۵۱/۶) از این رو، یک وجه تأکیدها و توصیه‌های فراوان رسول خدا بر شرکت در نمازهای جماعت، و قرائت و تلاوت از روی مصحف همین لزوم حمل و ضبط قرائت اصلی و معیار قرآن است.

### الف. نمونه‌هایی از تصریف و جایگزینی کلمات

پیامبر اکرم می‌فرماید: «انزل القرآن علی سبعة احرف، علیم حکیم غفور رحیم» (ابن‌حنبل، ۴۴۰/۲؛ طبری، جامع‌البیان، ۱۶/۱)؛ لیس منها الا شاف کاف ان قلت: سمیعاً علیماً، عزیزاً حکیماً، ما لم تختم آیه عذاب برحمة او آیه رحمة بعذاب» (ابوداود، ۳۳۲/۱) یا «نحو قول کتعالوا، اقبلوا، هلموا، اذهبوا، اسرعوا، اعجل» (ابن‌حنبل، ۵۱/۵)؛ یعنی قرآن‌آموزان می‌توانند در آیه‌ای به جای «غفوراً رحیماً» هر یک از ترکیب‌های «واسعاً حکیماً» یا «علیماً حکیماً» یا «عزیزاً حکیماً» و مانند آن را قرائت کنند (نک: همو، ۱۲۴/۵؛ ۳۳۲/۲)؛ چنان که در زبان عربی واژگان: «هلم»، «تعال»، «اقبل»، «اذهب»، «اسرع» و «اعجل» هم‌پوشانی دارند.

ابی بن کعب می‌گوید: من و یکی از همراهانم درباره آیه‌ای اختلاف کردیم، نزد رسول خدا رفتیم؛ ایشان پس از استماع قرائت ما فرمودند: هر دو درست و نیکو عمل کرده‌اید. ابی گفت: (قرائت) هر دوی ما درست نیست، (چه طور چنین چیزی امکان دارد؟! رسول خدا دست مبارکش را بر سینه من گذاشتند و فرمودند: قرآن بر من ... بر هفت حرف نازل شده است که همگی آن‌ها کافی و بسنده‌اند تا زمانی که آیه حاوی مفهوم رحمت را به عذاب، و آیه عذاب را به رحمت تبدیل نکنی. پس اگر آیه «عزیز حکیم»

بود و تو آن را «سمیعُ علیم» خواندی (اشتباه نیست، زیرا)، خداوند «سمیعُ علیم» نیز هست. (صنعانی، ۲۱۹/۱۱)

سلمان فارسی می‌گوید: «نزد پیامبر خواندم: «ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيْسِينَ وَ رُهْبَانًا» (المائدة، ۸۲)؛ ایشان به جای «قسیسین» کلمه «صدیقین» را خواندند. (ابوعبید، ۲۹۸) ابی بن کعب شخصی را اقرار می‌کرد، وقتی به آیه ۴۳ و ۴۴ سوره دخان: «إِنَّ شَجَرَتِ الرَّقُّومِ. طَعَامُ الْأَثِيمِ» رسید، آن شخص به جای کلمه «اثیم»، «یتیم» تلفظ می‌کرد؛ رسول خدا (ص) که ناظر این صحنه بود، فرمودند: «طعام الظالم». این تعبیر برای آن شخص آسان و روشن به نظر آمد. از این رو، رسول خدا به ابی گفت: به تعلیم او ادامه بده و زبانش را استوار ساز که مأجور هستی. همانا نه خداوند و نه جبرئیل و نه رسول خدا در قرآن عربی مبین لحنی ایجاد نکرده‌اند. (مقدمه المبانی، ۲۲۹-۲۳۰. نیز نک: ابن وهب، ۵۴/۳)

صحابه با استناد به همین تعلیم پیامبر اکرم در مقام تبیین و تفهیم بهتر آیات قرآن، از این نوع تصریف، فراوان بهره می‌بردند: ابی بن کعب «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْوًا فِيهِ» (البقره، ۲۰) را به این صورت‌ها: «...مرؤا فيه»، «...سعوا فيه». همچنین او و ابن مسعود «لَلَّذِينَ آمَنُوا أَنْظُرُونَا» (الحديد، ۱۳) را به صورت: «...امهلونا»، «...اخرونا» یا «...ارجئونا» تصریف کرده‌اند (ابوشامه مقدسی، ۱۰۴؛ سیوطی، ۱۴۹/۱). ابن مسعود «... كَالْعَيْنِ الْمَنْفُوشِ» (القارعه، ۵) را به صورت «كَالصَّوْفِ الْمَنْفُوشِ» (ابن خالویه، ۱۷۹)، سعید بن جبیر آنرا به صورت «كَالصَّوْفِ الْمَنْفُوشِ» (ابوعبید، ۳۱۸) و انس بن مالک «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» (مریم، ۲۶) را به صورت «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا وَصَمْتًا» تصریف کرده است. (همو، ۳۰۴) انس، آیه «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيَالًا» (المزمل، ۶) را به صورت «...اصوب قیالاً» خواند، برخی اعتراض کردند: ای ابو حمزه! درآیه، «اقوم» است! او گفت: «اقوم»، «اصوب» و «اهیا» یکی است (طبری، جامع البیان، ۲۸/۱)

امام مالک بن انس (۱۷۹د ق) در پاسخ این سؤال که آیا می‌توان آیه نهم سوره جمعه را مانند عمر بن خطاب «فامضوا الی ذکر اللّٰه» قرائت کرد؟ گفت: جایز است، زیرا رسول خدا فرمود: «انزل (القرآن) علی سبعة احرفٍ فاقروا ما تيسر منه؛ مثل تعلمون و يعلمون». در ادامه، مالک می‌گوید: در این گونه اختلاف قرائت‌ها مشکلی نمی‌بینم، زیرا مردم صاحب مصحف‌اند (ابن وهب، ۶۰/۳-۶۱)؛ یعنی در مصاحف این گونه تصریفات ثبت نمی‌شده و نمی‌شود، پس جای نگرانی نیست. بنابراین باید توجه داشت که صحابه و معلمان قرآن، هنگام قرائت قرآن در نماز و نگارش مصحف، هرگز این کلمات را به جای کلمات قرآن به کار نمی‌برده‌اند (صالح، ۱۵۸. نیز نک: ابن شهبه، ۱۰۰۹/۳-۱۰۱۰). برخی از دانشمندان به این نکته مغفول

اشاره کرده‌اند و این‌گونه قرائات را نوعی تفسیر و توضیح قرآن می‌دانند.<sup>۱</sup> به باور، ابوعبید قاسم بن سلّام (۲۲۴د ق) این قرائات، مفسّر قرآن و شناخت صحت تأویل است (ابوعبید، ۳۲۶-۳۲۷)

### ب. نمونه‌ای از تصریف آیه‌ای

مسلمه بن مخلد انصاری (۶۲د ق) روزی به جمعی که در میان آنان ابوالکنود سعد بن مالک بود، گفت: مرا از دو آیه‌ای که در مصحف کتابت نشده است، آگاه کنید؛ کسی چیزی نگفت، مسلمه چنین قرائت کرد: «ان الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم الا ابشروا انتم المفلحون. والذین اووهم ونصروهم وجادلوا عنهم القوم الذین غضب الله علیهم اولئک لا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرۃ اعین جزاء بما کانوا یعملون» (همو، ۳۰۱). این دو آیه تلفیق و تصریفی از آیه ۱۷ سوره سجده و آیات ۷۲ و ۷۴ سوره انفال است.

### ج. نمونه‌ای از تصریف سوره‌ای

از ابوموسی اشعری روایت کرده‌اند: «ما سوره‌ای را می‌خواندیم که از نظر اندازه و شدت مانند برائت (توبه) بود و من فقط این قسمت آن را به یاد دارم: «لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وادیانِ مِنْ مَالٍ لِابْتَعَى وادياً ثالثاً و لا یملأ جوفَ ابنِ آدَمَ إلا الترابُ»؛ و سوره‌ای شبیه یکی از سوره‌های مسبّحات را می‌خواندیم، ولی آن را از یاد برده‌ام جز این دو آیه: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون. فتکتب لکم شهادة فی اعناقکم فتسئلون عنها یوم القیامة» (مسلم، ۱۰۰/۳). این دو آیه که از آن سوره تصریفی در ذهن ابوموسی مانده است، یکی آیه دوم سوره صف از گروه سور مسبّحات و دیگری قسمتی از آیه نوزدهم سوره زخرف است که با یک جمله توضیحی همراه شده است.

عبدالله بن زریغافقی گفته است: دو سوره «خَلَع» و «حَفَد» را از علی (ع) و او از رسول خدا فراگرفت. عمر بن خطاب نیز آن دو را بعد از رکوع می‌خواند و گفته شده که در مصحف ابی، ابن عباس و ابوموسی اشعری این دو سوره ثبت بوده است: سوره (دعای) خلع: «اللّهم انا نستعین بک ونستغفرک ونتنئی علیک الخیر ولا نکفرک ونخلع ونترک من یفجرک». سوره (دعای) حفد: «اللّهم ایاک نعبد و لک

۱. ابن عربی مالکی (۵۴۳د ق) ذیل آیه ۱ سوره بینه با اشاره به قرائت ابن مسعود: «لَمْ یکنِ الْمُشْرِکُونَ وَ أَهْلُ الْکِتَابِ مُنْفَکِّینَ»، این قرائت را تفسیری می‌داند و معتقد است: خواندن این گونه قرائات جز به هنگام تلاوت رسمی، در بقیه موارد جایز است؛ زیرا بر پایه روایت صحیحی، رسول خدا نیز آیه ۱ سوره طلاق (نساء قصری (ابوعبید، ۲۷۶)) را این گونه قرائت کردند: «فَطَلَّقُوهُنَّ لِقَبْلِ (اقباله) عِدَّتِهِنَّ»، این قرائت نیز تفسیر است؛ زیرا تلاوت فقط باید بر اساس خط مصحف باشد (احکام القرآن، ۴۳۶/۴؛ نیز نکد ابن حنبل، چاپ ۲۰۰۱، ۲۰۵/۹).

نصلی ونسجد والیک نسعی ونحفد، نخشی عذابک و نرجو رحمتک، ان عذابک بالکفار ملحق». (ابن شُبّه، ۱۰۰۹/۳ و ۷۱۲/۲؛ سیوطی، ۲۰۵/۱-۲۰۶)<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه گذشت، از آنجا که قرآن آموزان از جهات گوناگون به ویژه از دو جنبه زبان و روان با یکدیگر متفاوتند؛ و اهداف و روش‌های آموزش قرآن بر پایه دو اصل شفاهی و زبانی زبانان، و روان‌شناختی بودن فرآیند یادگیری آن، شکل گرفته‌اند؛ حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، خواهان تبیین و اجرائی اصل «آسان‌سازی» آموزش قرآن به عنوان آموزش یک زبان و گسترش حوزه قرائت قرآن (= تصریف کلمات، آیات و سوره‌ها) بر مبنای تثبیت و حفظ ساختار منظم و قرائت واحد آن می‌باشند تا فرآیند یادگیری «زبان قرآن» تسهیل گردد. بنابراین، این حدیث در صدد بیان و تبیین هفت منزل برای نزول قرآن یا هفت بار یا هفت نوع نزول قرآن یا تعیین هفت لهجه و زبان خاص یا هفت قرائت خاص یا هفت ساخت و کلمه خاص یا هفت معنای خاص یا هفت نوع تقسیم و تنويع مطالب قرآن و مانند آن نیست؛ بلکه این حدیث در زمان‌هایی صادر شد که قرآن آموزان در یک فضای قرآنی قرار گرفته بودند و به تکرار و تداوم اقرار و قرائت آیات و سوره، و حمل و استظهار آن‌ها مشغول بودند، و قلب آنان نیز ناخودآگاه در حال پردازش و کشف قواعد زبان قرآن و تفکر با آن بود. در نتیجه، آیات و سوره‌های قرآن را به وجوه و ترتیب‌های گوناگون قرائت می‌کردند؛ یعنی در حال انجام تمرین‌های مختلف زبانی (تصریف) بودند.

در این میان، رسول خدا نیز برای نشان دادن اهمیت این کار و شیوه انجام آن، گاهی کلمات، آیات و سوره‌ها را تصریف می‌کردند: «عن ابی طلحه انه قال: کنا مع النبی فی قراءه فسمعته یقول: یا مالک یوم الدین، ایاک أعبد و ایاک أستعین» (کرمانی، ۴۳)، و آن را وظیفه‌ای الهی می‌دانستند: «أمرت أن أقرأ القرآن علی سبعة احرفٍ کلّ کافٍ شافٍ» (طبری، جامع‌البیان، ۲/۱)؛ و آن چنان با ظرافت این مسأله مهم آموزشی زبان قرآن را تبیین کردند که این تلقی برای صحابه پیش نیاید که تصریف همان است که رسول خدا انجام می‌دهد، پس ما فقط محدود به قرائت تصریفی پیامبر باشیم؛ زیرا در این صورت نقض غرض می‌شد. البته پیامبر اکرم همواره مواظب بودند که صحابه این قرائت را به عنوان بخشی از متن اصلی قرآن تلقی نکرده و آن را در مصاحف نویسند: «لا تکتبوا عنی شیئاً الا القرآن فمن کتب عنی شیئاً غیر القرآن فلیمحه؛ وقال: ... حدّثوا عنی و لا تکذبوا علیّ، قال: و من کذب علیّ - قال همّام: أحسبه قال: مُتعمداً - فلیتّبوا مقعده من النار» (ابن حنبل، ۵۶/۳؛ نیز نک: مسلم، ۲۲۹/۸). و می‌فرمودند: «اخصوا القرآن و امحضوه»؛ قرآن را خالص و اصیل و یک‌دست نگه دارید (علوم‌القرآن عندالمفسرین، ۱/۴۸۷)

### نگاهی دیگر به روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر

با توجه به زمینه‌های صدور احادیث احرف سبعة، ظاهراً عمر با کشته شدن برخی قاریان در جنگ یمامه که از قرائات تصریفی رسول خدا اطلاع داشتند، طرح جمع آنها را به ابوبکر پیشنهاد می‌دهد(نک: دانی، الارجوزه المنیه، ابیات ۱۷۴-۱۷۵؛ المقنع، ۱۲۳؛ ابن ابی داود، ۳۱؛ سخاوی، ۱۶۱/۱-۱۶۳ و ۳۲۷؛ ضباع، ۲۲/۱-۲۸ و ۲۴؛ سلیم بن قیس، ۸۵). از این رو، طبیعی بود که ابوبکر و زید بن ثابت با شگفتی و تعجب بگویند: چه طور به کاری اقدام کنیم که رسول خدا آن را انجام نداده است؟! زیرا رسول خدا، صحابه را از نوشتن سخنان خود و هر نوشته دیگری در متن و حاشیه مصحف نهی کرده بودند.

در متن روایت به جای قرائات، از کلمه «قرآن» استفاده شده است؛ زیرا بر اساس حدیث سبعة احرف و تأیید و تقریر رسول خدا، هر گونه قرائتی که در فضای آموزش قرآن بر زبان قرآن‌آموزان جاری شده و در راستای تبیین درست قرآن بوده و حکم حلال خدا را به حرام و عذاب را به رحمت و بر عکس تبدیل نکند، جایز است و می‌توان نام قرآن را بر آن گذاشت؛ به‌ویژه اگر آن قرائت از زبان رسول خدا شنیده شده باشد.

علت انتخاب زید نیز علاوه بر آنچه در روایت آمده، این بود که او کمتر از دیگر صحابه حافظ و کاتب کل قرآن، قرائات تصریفی داشت. بنابراین به افزودن قرائتی از پیش خود به عنوان قرائت تصریفی پیامبر، متهم نمی‌شد. با نگاهی به جایگاه زید در می‌یابیم که قرائت او با قرائت معیار و متواتر از رسول خدا که به آن «قراءة العامة» (ابن وهب، ۶۲/۳؛ ابن ابی داود، ۱۷۴؛ مقدمة المبانی، ۴۷، ۲۲۴-۲۲۵؛ متقی هندی، ۵۹۵/۲؛ زرکشی، ۳۳۱/۱) نیز اطلاق شده، هماهنگ بوده است؛ و مسلمانان قرائت و مصحف خود را بر او عرضه می‌کردند (ابن شیه، ۷۰۹/۲-۷۱۰). نیز نک: ابن ابی داود، ۱۷۴-۱۷۵؛ ابوعبید، ۳۰۱). شاید علت مخالفت برخی صحابه (سید بن طاووس، ۲۷۸) از جمله ابن مسعود با انتخاب زید بن ثابت برای انجام این کار از همین مسأله نشأت می‌گرفت که چون زید با قرائات تصریفی کمتر آشناست، صلاحیت گردآوری آن را ندارد. ابن مسعود می‌گفت: زمانی که من بیش از هفتاد سوره را از زبان مبارک رسول خدا فراگرفته بودم، زید هنوز به دنیا نیامده (ابوعبید، ۲۸۲-۲۸۳)، یا در کوچه‌های یثرب مشغول بازی با کودکان بود (ابن شیه، ۱۰۰۵/۳-۱۰۰۶).

بر پایه گزارش ابن ابی داود (د ۳۱۶ ق) از عروه (بن زبیر)، ابوبکر بن عمر بن خطاب و زید بن ثابت گفت: «بر در مسجد بنشینید؛ هر کس چیزی از کتاب خدا با دو شاهد بیاورد، آنرا بنویسید» (ابن ابی داود، ۱۲).<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. بنابراین، گزارش یعقوبی (د.پس از ۲۹۲ ق) را- که از مشارکت ۲۵ نفر از قریشیان و ۵۰ نفر از انصار در کتابت صحف و

گفته شده منظور از دو شاهد، گواهی بر قرائت و کتابت (نسخه مکتوب) آن (سلیم بن قیس، ۱۹۷ و ۸۵) یا گواهی بر وجوه هفتگانه‌ای است که قرآن بر پایه آن نازل شده است (سخاوی، ۱/۱۶۱). به جزئیات دیگر این امر اشاره نشده است که آیا همه صحابه از این امر استقبال کردند یا نه؟ آیا این قرائت را به ترتیب آیات و سوره‌ها در مصحف نوشتند؟ یا جدای از متن اصلی قرآن و به صورت پراکنده؟ از تعبیر «صُحُف» که در اغلب این روایات آمده، و در دیگر روایات‌ها، «کُتُب» (نوشته‌ها) (ابن ابی داود، ۱۶)، «ربعه» (= پناهگاه، اقامتگاه) (همان، ۳۳) و «الرقعه» (= برگه) (ابن شُبّه، ۳/۹۹۳) گزارش شده است، می‌توان برداشت کرد که این کار به صورت مجموعه‌ای مدوّن و تألیف شده درنیامد.

بدیهی است، در این جمع، همه قرائات تصریفی رسول خدا گردآوری نشده باشد؛ زیرا، اولاً: گاهی بر سر اینکه آیا قرائت مطرح شده، قرائت تصریفی پیامبر اکرم بوده است یا نه، اختلاف نظر داشتند. این اختلاف نیز از آنجا ناشی می‌شد که بنا به طبیعت و ماهیت قرآن و بر اساس اهداف آموزش آن، قرائات تصریفی مرحله‌ای از آموزش قرآن است و لزومی ندارد همه صحابه که از نظر کمیّت و کیفیت قرآن-آموزی و مقدار مصاحبت با پیامبر و فهم تعالیم آن حضرت در یک سطح نبودند، از آن با خبر باشند؛ بنابراین طبیعی بود که برخی صحابه، قرائات تصریفی ایشان را نشنیده یا درک نکرده باشند. همچنین، برخی صحابه، قرائات تصریفی پیامبر را به مرور زمان تغییر داده بودند و پیامبر نیز آنان را تأیید کرده بود. بنابراین، طبیعی است که برخی شاهدی هم برای آن نداشته باشند. پس شاید بعضی به همین علت (نداشتن شاهد یا در دسترس نبودن آن) نتوانستند همه آنچه را از پیامبر شنیده یا ایشان تأیید کرده بود، ارائه کنند. گفته شده، عمر خلیلی دوست داشت آیه تصریفی «رجم» را به عنوان قرائت تصریفی پیامبر به مسلمانان بقبولاند، یا آن را در حاشیه مصحف بنویسد، ولی به علت ترس از این که نگویند او چیزی را به کتاب خدا افزوده که در آن نیست، از انجام آن صرف نظر کرد (ابوعبید، ۳۲۱-۳۲۲).

ابن عباس می‌گوید: «به عمر گفتیم: ای امیرالمؤمنین، ابی بن کعب گمان می‌کند شما آیه- ای (تصریفی) از کتاب خدا را وا گذاشته و کتابت نکرده‌اید!... چون صبح شد، عمر به سراغ ابی رفت... ابی گفت: من از رسول خدا شنیدم: «اگر آدمی وادی پر از طلا داشته باشد باز هم مانند آن را می‌خواهد. (حرص) درون فرزندان آدم را جز خاک چیزی پر نمی‌کند» (کنابه از اینکه فقط مرگ می‌تواند جلوی

---

عرضه آن به سعید بن عاص به فرمان ابوبکر خبر داده- نمی‌توان ناظر بر جمع قرآن در زمان ابوبکر دانست (تاریخ یعقوبی، ۲/۹۲)؛ زیرا سعید در آن زمان کودکی حدوداً یازده ساله بوده است. (ابن سعد، ۵/۲۳) این گزارش و روایت ابوالعالیه که در آن آمده است: ابی بن کعب املاء می‌کرد و مردانی کتابت می‌کردند (ابن ابی داود، ۱۵) به جمع قرآن در زمان عثمان نزدیکتر است.

آزمندی حریصان را بگیرد) هر کس به سوی خدا باز گردد، خداوند نیز به او روی می‌آورد». عمر گفت: آیا آن را نوشته‌ای (و من بنویسم)؟ ابی گفت: تو را به آن توصیه نمی‌کنم. عمر گفت: آیا آن را رها می‌کنی (و من نیز رها کنم)؟ ابی گفت: تو را از آن نهی نمی‌کنم. عمر گفت: آیا گفته تو والاتر از رسول خدا یا قرآن منزل است؟! «ابن شیبّه، ۷۱۲/۲) یعنی چون ادّعی تو قابل اثبات نیست، ما را به آن نیازی نیست. ثانیاً: برخی این کار را با اهداف آموزش قرآن و سیره نبوی در تعارض می‌دیدند؛ زیرا گردآوری آن‌ها، این گمان و پندار را پیش می‌آورد که نباید بیش از آنچه رسول خدا تصریف کرده ما تصریف کنیم و به آن بیفزاییم. و این مسأله به تدریج به فضای آزاد و امن تعلیم و ترویج قرآن آسیب می‌زند؛ و مانع انس و مجالست طیف‌های مختلف مردم با قرآن می‌شود، مردمی که دارای دانش و زبان، و لهجه و گویش‌های متفاوتی از یکدیگرند. قرائت تصریفی، بیان گر زبایی و پویایی زبان قرآن و امری پایان‌ناپذیر است و تا زمانی که قرآن‌آموزان به درستی با قرآن مراوده و مؤانست داشته باشند، ادامه و گسترش می‌یابد: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (الکّهف، ۱۰۹)؛ «و لَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ الْبَحْرُ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةٌ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان، ۲۷).

ابن عباس در محاجّه با معاویه می‌گوید: عمر قصد داشت (قرائت) قرآن را در مصحفی گردآورد. از این رو، مرا به نزد علی بن ابیطالب فرستاد تا آنچه را از (قرائت) قرآن مکتوب کرده، در اختیار عمر قرار دهد. علی (ع) از دادن آن‌ها با این استدلال که مطالبی ویژه و همگانی نیست، خودداری کرد. بنابراین، ای معاویه، هر کس بگوید: چیزی از قرآن از بین رفته، قطعاً دروغ گفته است؛ زیرا قرآن نزد اهلس جمع و حفظ گردیده است (سلیم بن قیس، ۱۹۶-۱۹۷ و ۸۵). طلحه نیز در دوران خلافت عثمان، از امام علی (ع) می‌خواهد که جزوه حاوی (قرائت) قرآنی خود را در اختیار مردم قرار دهد، ولی امام (ع) پیشنهاد او را با اشاره به اینکه کل قرآن در اختیار مردم است، بنابراین عمل به آن موجب نجات و رستگاری است، نمی‌پذیرند. طلحه می‌گوید: پس آن‌ها را به چه کسی می‌سپارید؟ امام (ع) فرمودند: به فرزندم حسن و حسین (همو، ۸۵-۸۸). از این رو، به نظر می‌رسد منظور از مصحف امام علی (ع) که گفته شده در آن ناسخ (قرائت معیار، همگانی و تثبیت شده قرآن در میان مسلمانان) و منسوخ (قرائت تصریفی) (سیوطی، ۱۸۳/۱) و علوم فراوانی یافت می‌شده (ابن سعد، ۲۵۸/۲؛ ابن جزّی کلبی، ۴/۱)، همین دفتر حاوی تصریفات و قرائت قرآنی بوده است؛ و چون حضرت علی (ع) ارائه آن‌ها را به شکل مکتوب بر خلاف تعلیم نبوی می‌دید، از دادن آن‌ها امتناع ورزید تا به اصالت قرآن خدش‌های وارد نشود و موجب بدفهمی مردم و تشویش آیندگان نگردد. ابن سیرین (د ۱۱۰ ق) گوید: «در پی یافتن این مصحف بودم و به مدینه



نامه نوشتیم، ولی به آن دست نیافتیم» (سیوطی، ۱۸۳/۱). بنابراین، میان این مصحف با مصحف‌هایی دیگری که حضرت علی(ع) در آن فقط متن خالص قرآن را بدون هیچ پیرایه‌ای کتابت کرده‌اند، باید فرق گذاشت. از جمله، پس از رحلت رسول خدا چون دیدند در کتاب خدا زیاداتی وارد شده است (که موجب تغییر کتاب خدا می‌گردد)؛ پس تصمیم گرفتند که جز برای اقامه نماز ردا به دوش نگیرند (از منزل خارج نشوند) تا قرآن را کتابت کنند.<sup>۱</sup> ابن ندیم (د ۳۸۰ ق)، مصحف امام علی(ع) (حاوی متن خالص قرآن) را در دست ابویعلی حمزه حسنی دیده که به توارث میان فرزندان (امام) حسن دست به دست می‌گشته است (الفهرست، ۴۱).

### سرنوشت صُحُفِ گردآوری شده در زمان ابوبکر

با توجه به اهداف عمر از گردآوری قرائات تصریفی پیامبر،<sup>۳</sup> این صحف در دست مردم قرار نگرفت. این صحف که داخل «ربعه» (پناهگاه، اقامتگاه) بود (ابن ابی‌داود، ۳۳)، پس از درگذشت عمر در اختیار دخترش ام‌المؤمنین حفصه قرار داشت تا اینکه پس از رحلت او در حدود سال ۴۵ ق، مروان بن حکم والی مدینه آنها را از عبدالله بن عمر برادر حفصه گرفت و از بین برد. مروان هدفش را از این کار این گونه توضیح داده است: «زیرا آن صحف در متن مصحف (رسمی و معیار) میان مسلمانان ثبت و ضبط و حفظ شده، (ولی) می‌ترسم با گذشت زمان، برخی درباره شأن (و جایگاه و هدف از گردآوری) آن شک و تردید کنند و بگویند: (چرا) قسمتی از آن در مصحف (رسمی و معیار) کتابت نشده است (در نتیجه به فکر افزودن آن به مصحف برآیند)» (ابن ابی‌داود، ۳۲). همچنین، «برخی قسمت‌های آن با یکدیگر، و با نسخه تهیه شده به فرمان عثمان مخالفت دارد» (ابوعبید، ۲۸۴).<sup>۴</sup>

بنابراین، این سخن عبدالله بن عمر را نیز در همین راستا باید فهمید، آنجا که می‌گوید: «کسی نگوید کل (قرائات) قرآن را دریافت کرده‌ام؛ زیرا بسیاری از (قرائات) قرآن از بین رفت؛ بهتر است بگوید: آنچه از (قرائات) قرآن ظاهر و آشکار است را اخذ کرده‌ام» (همو، ۳۲۰). سخن حسرت‌آمیز ابن‌عمر به این معنا نیست که قرآن، آیات و سوره‌های بیشتری داشته و از بین رفته است! بلکه منظور او، از بین رفتن قرائات تصریفی است. البته می‌توان با ادامه روش آموزش قرآن مطابق سیره نبوی، نه تنها به آن قرائات، بلکه به بسیاری دیگر از زوایای زبان و فرهنگ قرآن در قالب گسترش قرائات تصریفی دست یافت.

<sup>۱</sup>. «رأيت كتاب الله يزد فيه، فحدثت نفسي الآ البس ردائي الآ لصلاة حتى اجمعه» (ابن خريس، ۳۶).

### انگاره جمع قرآن در زمان عمر بن خطاب

بر پایه برخی گزارش‌ها، جمع‌آوری قرائت‌تصریفی در خلافت عمر سامان یافت. ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) بدون ذکر از روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر، آورده است: «عمر بن خطاب اراده کرد قرآن را جمع‌آوری کند. پس میان مردم به پا خاست و گفت: هر کس از پیامبر خدا چیزی از قرآن را اخذ کرده، پیش ما بیاورد؛ و مردم قرآن را بر صحیفه‌ها و چوب‌ها و شاخه‌های خرما نوشته بودند. او از هیچکس چیزی را به عنوان قرآن قبول نمی‌کرد مگر این که دو شاهد گواهی بدهند» (ابن شَبَّه، ۷۰۵/۲). ابن ابی‌داود (۳۱۶ د ق) در بابی با عنوان: «جمع عمر بن خطاب رضي الله عنه القرآن في المصحف»، پنج روایت آورده که بر اساس آن، علت اهتمام او به جمع قرآن این بود که از آیه‌ای از کتاب خدا پرسش کرد، گفتند: نزد فلانی بود که در جنگ یمامه کشته شد. پس به جمع قرآن فرمان داد و او اولین کسی بود که قرآن را در مصحف گرد آورد. (ابن ابی‌داود، ۱۶).

بر پایه روایتی از عبدالله بن زبیر، عمر با شنیدن خبر اختلاف مردم بر سر قرائت قرآن (ابن شَبَّه، ۷۱۴/۲) تصمیم گرفت که مصاحف (دارای قرائت) مختلف را جمع‌آوری کرده تا همه مردم دارای یک قرائت و مصحف واحد و یکسان باشند؛ ولی با کشته شدن او، این طرح اجرا نشد؛ سپس عثمان این طرح را عملی کرد (ابن شَبَّه، ۹۹۰/۳-۹۹۱). نیز نک: همو، ۷۰۶/۲.

### بررسی جمع قرآن در زمان عثمان

با گسترش فتوحات و افزایش حوزه‌های آموزش و ترویج قرآن در مناطق تازه مسلمان و شکل‌گیری و گسترش قرائت‌تصریفی و توضیحی بر پایه تعالیم کبار صحابه (ابن شَبَّه، ۹۹۷/۳)، و ثبت و ضبط آن‌ها در حاشیه مصاحف رسمی یا به صورت جداگانه (بیهقی، السنن الکبری، ۴۶۲/۱؛ سیوطی، ۱۸۹/۱)<sup>۱</sup>، ظاهراً میان برخی مسلمانان در فتح ارمنستان و آذربایجان (ابوعبید، ۲۸۲)، در کوفه و بصره (ابن شَبَّه، ۹۹۹/۳) و مدینه اختلافاتی پیش آمد (همو، ۹۹۴/۳ و ۹۹۷) و هر گروهی قرائت و مصحف خویش را درست می‌دانست و به آن افتخار می‌کرد (یعقوبی، ۱۱۸/۲). بنابراین، عثمان با مشورت کبار صحابه از جمله امام علی (ع) (سید بن طاووس، ۲۷۸) انجمنی را با حضور دوازده تن از معلمان قرآن و کاتبان وحی در زمان پیامبر اکرم برای استنساخ و تهیه چند مصحف رسمی تشکیل داد (ابن ابی‌داود، ۳۳؛ ابن شَبَّه،

<sup>۱</sup> برای گزارش این قرائت‌تصریفی، ابوعبید، ۲۸۹-۳۲۷؛ ابن ابی‌داود، ۶۰-۱۰۱ و ۱۷۴؛ ابن شَبَّه، ۹۹۸/۳-۹۹۹؛ محاسبی، ۴۰۰؛ شاهین، ۷۸-۹۶ و ۱۴۲-۲۰۷. فؤاد سزگین (۳۷/۱)، کتاب «فی القراءه» یحیی بن یعمر (۸۹ د ق) را کامل‌ترین عنوانی می‌داند که به اختلاف قرائت در مصاحف مشهور پرداخته است، گویند این کتاب تا سده چهارم قمری، یکی از مراجع معتبر بوده است.

۹۹۴/۳-۹۹۶). این انجمن با نظم و دقت و بر طبق معیارها و تعالیم نبوی در نگارش قرآن، چندین مصحف امام (الگو) را یکنواخت و یکسان تهیه و تدوین کرد و عثمان آن‌ها را به سرزمین‌های مهم اسلامی فرستاد (یعقوبی، ۱۱۸/۲) تا سایر مصاحف با آن‌ها مقابله شود و از این پس، مصاحف بر طبق آن‌ها نگارش و سامان یابد و مصاحفی که مخالف آن است محو شوند (ابن ابی داود، ۲۹ و ۴۳؛ نیز نکه ابن شبه، ۹۹۸/۳-۹۹۹). مسلمانان عمل عثمان در کتابت مصحف امام را تصدیق کردند<sup>۱</sup>، ولی از بین بردن جزوه‌های حاوی قرائات صحابه را به عنوان پدیده‌ای شگفت و عجیب می‌دیدند (ابوعبید، ۲۸۴). نیز نکه ابن شبه، ۱۰۰۴/۳) و برخی آن را بر عثمان عیب می‌گرفتند (همو، ۱۰۰۴/۳-۱۰۰۵). او آن‌ها را میان منبر و مرقد مطهر رسول خدا دفن کرد (همو، ۱۰۰۳/۳؛ نیز نکه همو، ۱۰۰۵/۳؛ ابن ابی داود، ۴۳).

بنابراین منظور از جمع قرآن در زمان عثمان، برطرف کردن اختلاف مصاحفی بوده است که قرائات با متن اصلی قرآن ممزوج و آمیخته شده بود (ابوعبید، ۳۲۴-۳۲۷؛ باقلانی، ۶۵/۱). عثمان در پاسخ به این سؤال که چرا با مصاحف مختلف، آن گونه برخورد کرده و مصحفی واحد را ارئه کرده است؟ گفت: «ان القرآن نزل علی نبیکم من سبعة ابواب علی سبعة احرف - او حروف - وان الکتاب کان ینزل او - ینتزل - من باب واحد علی حرف واحد» (ابن شبه، ۱۰۰۶/۳-۱۰۰۷ و قس: همان، ۱۱۱۴/۳)؛ یعنی قرآن در قالب شفاهی بر هفت حرف نازل شده و مردم در قرائت آن به هر گونه که می‌توانند و می‌خواهند، آزاد هستند، اما قرآن در شکل مکتوب و نوشتاری‌اش بر یک حرف (یک قرائت با ساختاری منظم و مدون) نازل شده است؛ بنابراین باید رسم الخط و تعداد آیات، سوره‌ها و کلمات نوشته شده در همه مصاحف یکسان باشد. همچنین گفته است: «قرآن از خداست، اگر شما را از مصاحف مختلف نهی کردم، به این دلیل بود که از بروز درگیری میان شما نگران بودم؛ بنابراین بر اساس هر قرائتی که می‌خواهید قرآن را بخوانید» (ابن ابی داود، ۴۵-۴۶)؛ «و من در این موضوع پیرو نظر آنان (صحابه) بودم» (طبری، تاریخ، ۳۸۴/۳).

بدین ترتیب، عثمان در نظم و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن و رسم الخط اصیل آن هیچ گونه دخل و تصرفی نداشته و مطابق تعالیم نبوی عمل کرده است.<sup>۲</sup> هانی بربری، برده آزاد شده به دست عثمان می-

<sup>۱</sup> از جمله حضرت علی (ع) فرمودند: اگر من نیز جای عثمان بودم همان کار را انجام می‌دادم (ابوعبید، ۲۸۴-۲۸۵).

<sup>۲</sup> علامه حلی (م ۷۳۶ ق) در پاسخ سؤال ابن مهنا که آیا عثمان چیزی از قرآن کاسته یا افزوده یا ترتیب آیات و سوره‌ها را تغییر داده است؟ فرمود: «الحق أنه لا تبدل ولا تأخیر ولا تقدیم فيه وأنه لم یزد ولم ینقص ونعوذ بالله من ان یعتقد مثل ذلك وامثال ذلك» (اجوبة المسائل، ۱۲۱). آیه الله خویی (م ۱۳۷۱ ش) نیز بر این باورند که «قرآنی که عثمان جمع آوری کرد، همان قرآن و قرائت متداول و معمول در میان مسلمانان صدر اول بود که از هر جهت مطابق با واقع بوده و از رسول خدا به صورت متواتر گرفته شده است» (البیان، ۱۹۸ و ۲۵۸).

گوید: نزد عثمان بودم که مصاحف را بر او عرضه می‌کردند؛ عثمان مرا با استخوان کتف گوسفند به سوی ابی بن کعب فرستاد. اَبی به «لمیتسن»، «ه» را افزود؛ و از «لا تبدیل للخلق»، «یک ل»، و از «فأمهل الکافرین»، «أ» را حذف کرد (ابوعبید، ۲۸۶-۲۸۷. نیز نک: ابن شَبَّه، ۱۰۰۰/۳-۱۰۰۲). عبدالله بن زبیر به عثمان می‌گوید: چرا آیه ۲۴۰ سوره بقره: «والذین یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ ویذرون ازواجاً...» را که به آیه ۲۳۴ بقره نسخ شده است، نوشته‌اید و آن را رها نکرده‌اید؟ عثمان در پاسخ می‌گوید: «یابن اخی! لا أُغیِّر شیئاً منه من مکانه؛ پسر بردارم! من چیزی از قرآن را از مکانش تغییر نمی‌دهم (صحیح بخاری، ۱۶۴۷/۴ و ۱۶۴۹).

از این رو، این قسمت از روایت ابن عباس را نمی‌توان پذیرفت که گفته است: از عثمان پرسیدم چه چیز شما را بر آن داشت که سوره انفال را که از مثنای است، با سوره براءت (توبه) که از مثنی است، کنار هم گذاشتید و میان آن دو «بسم الله الرحمن الرحیم» را ننوشتید و هر دو را جزء سبع طوال قرار دادید؟ عثمان گفت: ... انفال از سوره‌های آغازین نزول در مدینه و براءت، آخرین آن‌ها بود که محتوای یکی بسیار شبیه آن دیگری است. گمان کردیم که این هم جزء آن یکی است. رسول خدا رحلت کرد و برای ما روشن نشد که (آیا) این هم جزء آن هست؟ بدین جهت بود که این دو را کنار هم گذاشتیم و میان آن‌ها «بسم الله الرحمن الرحیم» ننوشتیم و آن دو را در سبع طوال قرار دادیم (ابوعبید، ۲۸۵-۲۸۶. نیز نک: ابن شَبَّه، ۱۰۱۶/۳). چرا که اولاً: با روایت ابی بن کعب که می‌گوید: «با نزول هر سوره‌ای، رسول خدا به ما دستور می‌داد که «بسم الله الرحمن الرحیم» را در ابتدای آن بنویسیم، ولی هنگامی که سوره براءت (توبه) نازل شد، در این مورد دستوری نفرمود و ما آن را بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» نگاشتیم (ابن عطیه، ۳/۳)، در تعارض است.

ثانیاً: در روایتی از امام علی (ع) نیامدن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای سوره توبه این گونه تحلیل می‌شود که بسمله، امان و رحمت است، در حالی که قسمت اعظم آیات این سوره، تهدید و تخویف مشرکان پیمان‌شکن و منافقان است. (سیوطی، ۲۰۴/۱)

ثالثاً: در متن روایت به تشخیص و استقلال این دو از یکدیگر اشاره شده است. همچنان که این دو سوره را از دیر باز «فریتین» می‌گفتند (ابن شَبَّه، ۱۰۱۶/۳)، که دلالت بر زوجیت آن‌ها دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد یکی دانستن سوره انفال و توبه توجیهی است برای هماهنگی با اصطلاح «سبع طوال» که در روایات منسوب به رسول خدا نیز به آن اشاره شده است (کلینی، ۶۰۱/۲)؛ یعنی اگر این دو را یکی بدانیم با شش سوره آغازین قرآن پس از حمد، (بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام و اعراف) سبع طوال (هفت سوره طولانی) درست خواهد بود.

بنابر آنچه گذشت، اینکه گفته می‌شود عثمان یک حرف از حروف سبعة را برگزید، و بقیه حروف سته را در مصحف نیابورد (طبری، جامع البیان، ۲۹۱-۳۵)؛ یا مصاحف را از نقطه و اعراب تجرید کرد تا رسم الخط قرآن تحمل قرائت معتبر را داشته باشد؛ یا این مصاحف حاوی احرف سبعة بوده است؛ یا او عامدانه قرائت را در مصاحف امام توزیع و پخش کرد تا باقی بمانند؛ یا دستور داد رسم الخط مصحف هر منطقه-ای، مطابق قرائت مرسوم میان اهل آن شهر و منطقه باشد؛ و با هر مصحف، معلمي آگاه به قرائت آن شهر فرستاد؛ در هیچ يك از روایات جمع قرآن نیامده است و به نظر می‌رسد، همگی از فهم نادرست یا ناقص روایات احرف سبعة برآمده‌اند. البته خالی بودن مصاحف از نقطه و اعراب هم به طبیعت خط قرآن که فارغ از نقطه و اعراب بود، برمی‌گردد و هم به تعالیم رسول خدا؛ تا رسم الخط مصحف با فرآیند فراگیری زبان هماهنگ و همسو باشد (لسانی فشارکی و غفاری، ۱۰۷-۱۱۳).

#### نتیجه مقاله

۱. متن متواتر آیات و سوره‌های قرآن به همین ترتیب کنونی تحت تعلیم و نظارت مستقیم رسول خدا جمع و تدوین، و سامان یافته است.

۲. برپایه زمینه‌های صدور حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، از آنجا که قرآن‌آموزان از جهات گوناگونی به ویژه از دو جنبه زبان و روان با یکدیگر متفاوتند؛ و اهداف و روش‌های آموزش قرآن بر پایه دو اصل شفاهی و زبانی زبان آن، و روان‌شناختی بودن فرآیند یادگیری آن، شکل گرفته‌اند؛ این روایات، خواهان تبیین و اجرای اصل «آسان‌سازی» آموزش قرآن به عنوان آموزش يك زبان و گسترش حوزه قرائت قرآن (= تصریف کلمات، آیات و سوره‌ها) بر مبنای تثبیت و حفظ ساختار منظم و قرائت واحد آن می‌باشند تا فرآیند یادگیری «زبان قرآن» تسهیل گردد. این روایات زمانی صادر شدند که قرآن‌آموزان در يك فضای قرآنی قرار گرفته بودند و به تکرار و تداوم اقرء و قرائت آیات و سوره‌ها، و حمل و استظهار آن‌ها مشغول بودند، و قلب آنان نیز ناخودآگاه در حال پردازش و کشف قواعد زبان قرآن و تفکر با آن بود. در نتیجه، آیات و سوره‌های قرآن را به وجوه و ترتیب‌های گوناگون قرائت می‌کردند. در این میان، رسول خدا نیز برای نشان دادن اهمیت این کار و شیوه انجام آن، گاهی کلمات و آیات و سوره‌ها را تصریف می‌کردند و آن را وظیفه‌ای الهی می‌دانستند. در عین حال از نوشتن آنها همراه با متن مکتوب قرآن نهی می‌نمودند. بنابراین،

۳. منظور از روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر، ظاهراً گردآوری قرائت تصریفی پیامبر اکرم بوده است؛ یعنی با رحلت و کشته شدن برخی صحابه که از قرائت تصریفی رسول خدا اطلاع داشتند، عمر طرح جمع آنها را قبل از درگذشت سایر صحابه، به ابوبکر پیشنهاد می‌دهد.

۴. با گسترش فتوحات و افزایش حوزه‌های آموزش و ترویج قرآن در مناطق تازه مسلمان و شکل‌گیری و گسترش قرائات مختلف تصریفی و توضیحی بر پایه تعلیم کبار صحابه، و ثبت و ضبط آن - ها در حاشیه برخی مصاحف یا به صورت جداگانه، ظاهراً میان برخی مسلمانان اختلافاتی پیش آمد و هر گروهی قرائت و مصحف خویش را درست می‌دانست و به آن افتخار می‌کرد. از این رو، عثمان با مشورت کبار صحابه از جمله امام علی(ع)، با تهیه و تدوین مصاحف امام، مصحف‌ها و جزوه‌های حاوی قرائات برخی از صحابه در مدینه را از بین می‌برد تا رسم الخط معیار و متن مکتوب قرآن به همان صورت و ترتیب نخستین خود یکسان باقی بماند. بنابراین منظور از اخبار جمع قرآن در زمان عثمان، ارائه نظم و ترتیبی دیگر یا رسم الخطی جدید، یا انتخاب قرائتی نو برای آیات و سوره‌های قرآن یا توزیع قرائات در مصاحف امام نبوده است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. گسترش تصریف سبب می‌شود که مسلمانان، زبان و فرهنگ قرآن را بهتر و عمیق‌تر دریابند؛ و ایمان آنان به خدا و قرآن، و الهی بودن و ماندناپذیری قرآن افزوده شود. آیت الله سیدمصطفی خمینی می‌فرماید: آیه «**قُلْ لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً**» (اسراء، ۸۸) ، دال بر بستن راه برای آوردن مانند قرآن نیست. بلکه بر عکس، فتح بابی است که فرد مرتباً سوره‌های جدید بسازد و مقایسه کند تا بفهمد که سوره‌های قرآن چیست و چقدر فاصله و تفاوت بین سوره‌های قرآن و سوره‌های وی وجود دارد؛ و این تنها راه فهم اعجاز قرآن است، تا باور کنند که نمی‌شود مثل قرآن را ساخت. ایشان به عنوان نمونه سوره «فاسقون» را (مطابق الگوی سوره کافرون) چنین می‌سازند: «بسم الله الرحمن الرحیم. قل یا ایها الفاسقون. لا اصنع ما تصنعون. و لا انتم صانعون ما اصنع. و لا انا صانع ما صنعتم. و لا انتم صانعون ما اصنع. لکم صنعکم ولی صنع» (خمینی، ۵۲۴/۴-۵۲۵).

۲. چنان‌که امام باقر و امام صادق(ع) با شناخت جامع و صحیحی که از قرآن و تعلیم پیامبر اکرم داشتند، فهم‌های غلط و ناقص از روایات احرف سبعة را برای مردم تبیین ساختند. فضیل بن یسار به امام صادق(ع) گفت: مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف (=قرائت) نازل شده است، امام در پاسخ فرمود: دشمنان خدا دروغ گفته‌اند (آن‌ها که با سوء استفاده از این روایات، مردم را به اشتباه و گمراهی انداخته - اند)، بلکه قرآن بر حرف واحد (قرائت واحد) و از نزد خدای واحد نازل شده است» (کلینی، ۶۳۰/۲). امام باقر(ع) نیز می‌فرماید: قرآن یکی است و از نزد خدای یگانه نازل شده است (پس بیش از یک قرائت ندارد)، ولی این اختلاف (در قرائت قرآن) از جانب راویان است (همان). راویانی که به سبب اختلاف لهجه

و زبان یا از روی فراموشی و اشتباه یا به طمع کسب شهرت، قرآن را متفاوت خوانده‌اند یا به علت نفهمیدن جایگاه روایات احرف سبعة، قرائت‌های گوناگون را که نزد رسول خدا به منظوری دیگر تأیید و تقریر شده، به عنوان «قرآن» پنداشته‌اند.

فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) آورده است: مراد از هر دو حدیث یکی است و آن اینکه قرائت درست و اصلی، يك قرائت است. امام (ع) از آن جا که می‌داند مردم در فهم حدیث «سبعة احرف» به اشتباه افتاده‌اند و بر پایه این اشتباه، قرائت‌های گوناگون را با همه اختلافاتی که با هم دارند، نازل شده از جانب خدا و صحیح می‌پندارند، این پندار و گمان نادرست بر طبق این حدیث را تکذیب می‌کنند. بنابراین، بین این دو حدیث وارده از امام (ع) و حدیث «سبعة احرف» منافاتی وجود ندارد (الصافی، ۱/۴۰). چرا که ائمه هدی علیهم السلام در مقامی دیگر، صحت صدور حدیث سبعة احرف از ناحیه رسول اکرم را تأیید کرده‌اند. از امام علی (ع) درباره صحت صدور این قول رسول اکرم که فرمود: «انزل القرآن علی سبعة احرف کُلها کاف شاف» سؤال شد و آن حضرت در پاسخ فرمود: راویان راست گفته‌اند: «انزل القرآن علی سبعة احرف... فاذا تكلّمتَ به کان صواباً...» (مقدمة المباني، ۲۱۵). امام باقر (ع) می‌فرماید: «ان کتاب الله ظاهراً و باطناً و معایناً و ناسخاً و منسوخاً و محکماً و متشابهاً و سنناً و امثالاً و فصلاً و وصالاً و احرافاً و تصریفاً، فمن زعم ان کتاب الله مبهم فقد هلك و اهلك» (برقي، ۱/۲۷۰)؛ یعنی اگر کسی با ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، سنن و امثال، فصل و وصل و احرف و تصریف قرآن آشنا نباشد و این مسائل برای او تبیین نشده باشد، قرآن برای او مجمل و مبهم خواهد بود و در این صورت، هم خود را هلاک می‌کند و هم دیگران را. حماد بن عثمان به امام صادق (ع) گفت: احادیث شما مختلف و متفاوت از یکدیگر به نظر می‌رسد. امام (ع) در جواب فرمودند: «ان القرآن نزل علی سبعة احرف و ادنی مالامام ان یفتی علی سبعة وجوه» (ابن بابویه، الخصال، ۲/۳۵۸، ج ۴۳)؛ یعنی قرآن به گونه‌ای نازل شده است که همه شرایط و ویژگی‌های مخاطبان خود را در نظر گرفته و در مقابل همه آن‌ها انعطاف‌پذیر است؛ از این رو، دست کم هر امامی می‌تواند با توجه به شرایط مختلف انسان‌ها، به هفت وجه فتوا دهد.

۳. چهار هدف را می‌توان نام برد: صیانت متن مکتوب قرآن از قرائت‌های تصریفی و تفسیری، حفظ میراث قرائی پیامبر اکرم، جلوگیری از قرائت‌های نادرست، و محدود کردن دامنه قرائت‌های تصریفی میان مسلمانان. از میان این چهار هدف، اولین و آخرین آن‌ها بیشتر مورد نظر بوده است. چنان که انصار به عمر پیشنهاد ارائه این قرائت‌ها و قرائت‌های تصریفی صحابه را در مصحفی واحد را دادند، ولی عمر آنرا به دلیل گستره الحان (قرائت‌های تصریفی) آنان و بیم از گسترش آن، و به وجود آمدن اختلاف بر سر متن اصلی قرآن نپذیرفت. (ابن شهبه، ۲/۷۰۶) عامر شعبی گوید: مردی، مصحفی را همراه با (قرائت‌های تفسیری) نوشت.

## ۱۱۰/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

عمر آنرا گرفت و پاره کرد (ابن شَبَّه، ۱۳۶/۶). عمر بارها نسبت به روایت قرائات تفسیری و تصریفی رسول خدا توسط صحابه از جمله ابن مسعود، ابودرداء، ابومسعود انصاری (ذهبی، ۷/۱) و ابی بن کعب واکنش نشان می‌داد (ابن شَبَّه، ۷۱۲/۲)؛ و می‌گفت: «ابی بن کعب قرآن خوان‌ترین ما بود. ولی با این حال بسیاری از قرائات او را رها کردیم؛ ابی می‌گوید: من این قرائات را از رسول خدا فرا گرفته‌ام و آنچه را از ایشان شنیده‌ام هرگز رها نخواهم کرد (ابن شَبَّه، ۷۰۶/۲).

۴. از میان اخبار مختلف جمع قرآن در زمان عثمان (نک: همو، ۹۹۰/۳-۱۰۱۰؛ ابن ابی داود، ۳۱-۳۲، ۳۸)، در گزارشی آمده است که عثمان، صحف جمع‌آوری شده در زمان ابوبکر که نزد حفصه ام‌المومنین بود را از او گرفت و از زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام خواست که بر اساس آن مصاحف را تدوین کنند و اگر میان سه نفر از آنان که قرشی‌اند و زید بن ثابت که مدنی است اختلافی پیش آمد، بر اساس لهجه قریش که قرآن بر پایه آن نازل شده است، بنویسند (ابوعبید، ۲۸۲). بنابراین، به نظر می‌رسد آن صحف افزون بر قرائات تصریفی، متن اصلی قرآن را نیز در برداشته، و متن معیار قرآن و به تعبیر برخی روایات، قرائت تثبیت شده در «عرضه اخیر» محور استنساخ انجمن تعیین شده از سوی عثمان بوده است. (ابن شَبَّه، ۹۹۳/۳-۹۹۴)

### کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی داود، عبدالله، کتاب المصاحف، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
۳. ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد، المصنّف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، مکتبة الرشد، ریاض ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن ابی عاصم، احمد بن عمر، الآحاد والمثانی، تحقیق فیصل احمد الجوابرة، دارالدراية، ۱۴۱۱ ق.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، به کوشش م. ا. ابراهیم، داراحیاءالکتب العربیة، ۱۹۶۷ م.
۶. ابن انباری، محمد بن قاسم، ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل، تحقیق احمد مهدلی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۱۰ م.
۷. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، کتاب الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
۸. همو، الامالی، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ ق.
۹. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، دارالکتب



- العربی، بی تا.
۱۰. ابن جزئی کلبی، محمد بن أحمد، *التسهيل لعلوم التنزيل*، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۱۱. ابن حنبل، احمد، مسند، تحقيق شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، وآخرون، إشراف: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
۱۲. ابن حنبل، احمد، مسند، قاهرة، مؤسسة قرطبة، بی تا.
۱۳. ابن خالوية، حسين، *مختصر في شواذ القرآن من كتاب البديع*، قاهرة، مكتبة المتنبى، بی تا.
۱۴. ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، تحقيق محمد عبد القادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۷ م.
۱۵. ابن شبة، عمر، *تاريخ المدينة المنورة*، تحقيق فهد محمد شلتوت، بی تا.
۱۶. ابن ضريس، محمد بن ايوب، *فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمكة و ما انزل بالمدينة*، به كوشش غزوه بدير، دارالفكر، ۱۹۸۸ م.
۱۷. ابن عربي، محمد بن عبدالله، *احكام القرآن*، به كوشش محمد عبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.
۱۸. ابن عطية، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، به كوشش عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۱۹. ابن كثير، اسماعيل، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. ابن ماجة، محمد بن يزيد، سنن، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، داراحياء الكتب العربية، ۱۳۷۲ ق.
۲۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق / ۱۳۶۳ ش.
۲۲. ابن نديم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، بيروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
۲۳. ابن وهب، عبدالله، *الجامع علوم القرآن*، برواية سحنون بن سعيد (۲۴۰ ق)، به كوشش ميكلوش مورانى، بيروت، دارالعرب الاسلامى ۲۰۰۳ م.
۲۴. ابن هشام، عبدالملك، *السيرة النبوية*، به كوشش عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
۲۵. ابوداود، سليمان بن اشعث، سنن، به كوشش محمد محيى الدين عبدالحميد، داراحياء السنة النبوية، بی تا.
۲۶. ابوشامة مقدسى، عبدالرحمن بن اسماعيل، *المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز*، به كوشش د. طيار آتى قولاج، انقره، دار وقف الديانة التركى للطباعة والنشر، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۲۷. ابوعبيد قاسم بن سلام، *فضائل القرآن*، تحقيق مروان العطية، محسن خرابه و وفاء تقى الدين، دار ابن

۱۱۲/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

- کثیر، دمشق - بیروت.
۲۸. ایازی، سید محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، تحقیقی پیرامون توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن کریم، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. باقلانی (۴۰۳ ق)، ابوبکر محمد بن الطیب، الانتصار للقرآن، تحقیق محمد عصام القضاة، دارالفتح - عمّان، دار ابن حزم - بیروت، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۳۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۳۱. برقی، احمد بن محمد، محاسن، به کوشش سید جلال الدین حسینی، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
۳۲. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اردیبهشت ۱۳۵۹ ش.
۳۳. بهبودی، محمدباقر، معرفة الحدیث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعة الامامیة، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، تحقیق محمد السعید بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. همو، السنن الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، مکتبة دار الباز، مکه المکرمة، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۳۶. پاکتچی، احمد، تقد متن، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۳۷. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن (الجامع الصحیح)، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۳۸. جبوری، سهیله یاسین، اصل الخط العربی و تطوره حتی نهاية العصر الاموی، بغداد، ۱۹۷۷ م.
۳۹. حاکم نیسابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیة، بی تا.
۴۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، به کوشش عبدالرحیم ربّانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۴۱. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه حول القرآن الحکیم، قم، انتشارات قرآن، بی تا.
۴۲. حکیم، سید محمد باقر، علوم قرآنی، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، تهران، تبیان، ۱۳۷۸ ش.
۴۳. حلّی، حسن بن یوسف، اجوبة المسائل المنهائیة، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ ق.
۴۴. حبییم، سلیمان، فرهنگ عبری - فارسی، ۱۳۴۴ ش.

مطالعات قرآنی و روایی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱ / ۱۱۳

۴۵. خرقانی، حسن، «وحياني بودن ساختار قرآن»، پژوهشهای قرآنی، شماره ۱۹-۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ ش.
۴۶. خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق.
۴۷. خوبی، ابوالقاسم، البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
۴۸. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، به کوشش سید ابراهیم و علی محمد علی، قاهرة، دارالحديث، ۱۴۲۰ ق.
۴۹. دانی، ابوعمر، المقنع فی رسم مصاحف الامصار مع کتاب النقط، تحقیق محمد صادق قمحاوی، قاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، بی تا.
۵۰. همو، الأرجوزة المنبهة على أسماء القراء و الرواة و أصول القراءات و عقد الديانات بالتجويد و الدلالات، تحقیق محمد بن مجقان، ریاض، دارالمغنی، ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م.
۵۱. دروزه، محمد عزة، تاریخ قرآن (درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی) به ضمیمه روش شناسی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، قم، دفتر انتشارات زینی، ۱۳۹۱ ش.
۵۲. رجبی، محسن، «زمینه های صدور روایات احرف سبعة»، مطالعات اسلامی، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۵۳. ریورز، و، «روش سمعی- شفاهی چیست»، قلمرو زبان فارسی و آموزش زبانهای بیگانه، مشهد معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۴ ش.
۵۴. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵ ق.
۵۵. سخاوی (۶۴۳ ق)، علي بن محمد، جمال القراء و کمال الإقراء، تحقیق مروان العطیة و محسن خرابه، دار المأمون للتراث، دمشق- بیروت، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۷ م.
۵۶. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش.
۵۷. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس هلالی، تحقیق علاءالدین موسوی، موسسه البعثة، طهران، ۱۴۰۷ ق.
۵۸. سید بن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، الحیدریة، نجف، ۱۳۶۹ ق.
۵۹. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ ق.

۱۱۴/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

۶۰. شاهین، عبدالصبور، تاریخ قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲ ش.
۶۱. صالح صبحی، مباحثی در علوم قرآن، ترجمه محمد علی، لسانی فشارکی، تهران، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۶۲. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، المكتب الإسلامي، ۱۴۰۳ ق.
۶۳. صباع، علی محمد، سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكتاب المبین، تحقیق اشرف محمدفؤاد طلعت، اسماعیلیه مصر، مكتبة الامام البخاری، ۱۴۲۹ ق / ۲۰۰۸ م.
۶۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۴ ش.
۶۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، به کوشش محمود شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
۶۶. همو، تاریخ الطبری (الامم و الملوك)، تحقیق نخبة من العلماء، بیروت، مؤسسة الاعلمی، بی تا.
۶۷. عاملی، سیدجعفر مرتضی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
۶۸. علوم القرآن عند المفسرین، مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۶۹. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.
۷۰. فک، یوهان، العربیة، دراسة فی اللغة و اللهجات و السالیب، ترجمه عبدالحلیم نجار ۱۹۵۱ م.
۷۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
۷۲. همو، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، به کوشش علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، بی تا.
۷۳. حمد، غانم قدوری، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، اسوه، ۱۳۷۶ ش.
۷۴. قرطبی، محمد بن احمد، التذکار فی افضل الاذکار، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۷۵. کرمانی، محمد بن ابی نصر، شواذ القراءات (و اختلاف المصاحف)، تحقیق شمران العجلی، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ ق.
۷۷. لسانی فشارکی، محمد علی، «ختم قرآن»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، تهران، ۱۳۹۰ ش.

مطالعات قرآنی و روایی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱ / ۱۱۵

۷۸. همو و مهدی غفّاری، آموزش زبان قرآن (ویراست سوم)، قم، دفتر انتشارات زینی، ۱۳۹۰ ش.
۷۹. همو و حسین مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
۸۰. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، به کوشش صفوة السقا و بکر حیّانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م.
۸۱. محاسبی، حارث بن اسد، فهم القرآن و معانیه، تحقیق حسین القوتلی، بیروت، دارالکندی - دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
۸۲. مدرّسی طباطبایی، سید حسین، «بررسی ستیزه‌های دیرین درباره تحریف قرآن»، ترجمه محمد کاظم رحمتی، هفت آسمان، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۰ ش.
۹۰. مسلم بن حجّاج، صحیح، بیروت، دارالجمیل، دارالافاق الجديدة، بی تا.
۹۱. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۵ ش.
۹۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۵ ق.
۹۳. معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران، نیا، ۱۳۸۳ ش.
۹۴. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید، ۱۳۷۸ ش.
۹۵. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، تحقیق عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۹۶. مقدمه المبانی فی نظم المبانی ومقدمه ابن عطیه (مقدمتان فی علوم القرآن)، به کوشش آرتور جفری، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ م.
۹۷. موسوی دارابی، سیدعلی، نصوص فی علوم القرآن، باشراف محمد واعظ زاده خراسانی، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۸۵ ش.
۹۸. موسوی عاملی، سیدعبدالحسین (شرف‌الدین)، اجوبه مسائل جارالله، ۱۳۷۳ ش.
۹۹. مهدوی راد، محمد علی، آفاق تفسیر: مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران، نشر هستی‌نما، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۰. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (ع)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰۱. نسائی، احمد بن شعیب، سنن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۳۰ م.
۱۰۲. نولدکه، تئودر، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، بازنگاری فریدریش شوالی، ترجمه مرتضی

۱۱۶/ بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف

- کریمی نیا، علوم حدیث، شماره ۳۵-۳۶، ۱۳۸۴ ش.
۱۰۳. نهبوندی، محمد، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن و تبیین الفرقان*، تهران، مطبعة علمی، بی تا.
۱۰۴. نیسابوری، حسن بن محمد، *غرائب القرآن و رغایب الفرقان*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۱۰۵. واحدی، علی بن احمد، *اسباب النزول*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۰ ق/ ۱۹۸۰ م.
۱۰۶. واقدی، محمد بن عمر، *مغازی*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۱ ش.
۱۰۷. همو، الردة مع نبذة من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثة الشیبانی، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.
۱۰۸. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۲ ق.
۱۰۹. یعقوبی، احمد، *تاریخ الیعقوبی*، به کوشش خلیل المنصور، دار الزهراء، قم، ۱۳۸۷ ش/ ۱۴۲۹ ق.
۱۱۰. Burton, John, *The collection of the Quran*, cambridge university press, ۱۹۷۷.